

سلام. من امروز 21 مرداد 96 سنتر سنجش تافل دادم.

شرایط سنتر

حدود ساعت 8:25 وسایلمون رو گذاشتیم توی لاکر و به صف شدیم برای ورود به سنتر اصلی. خودکار- مداد - پاک کن - تراش و ... مجاز بودیم ببریم اما خوراکی(حتی در حد شکلات) و حتی آب نمی تونستیم. آبسرد کن داخل سنتر اصلی بود اما اجازه نداشتیم لیوان روی میزمون بذاریم. من وقتی رسیدم تموم شد، دکمه ی continue رو نزدم. پاشدم سریع آب خوردم و بعد اومدم لیسنینگ رو شروع کردم.

موقع چک کردن کارت های شناسایی مسئول مربوطه خیلی با وسواس و در نتیجه با کندی تا حدودی اعصاب خرد کن عکس رو با قیافه تطبیق می داد. بعد مرحله ی گرفتن عکس و تست صدا انجام شد که مورد خاصی نبود. وقتی همه پشت سیستم هاشون نشستن مراقبا میومدن رمز مدیریتی رو وارد میکردن و آزمون شروع می شد. یه کاغذی هم بود که قوانین آزمون توش ذکر شده بود و باید یه متنی مبنی بر پذیرش شرایط آزمون رو با دست خط خودمون مینوشتیم و امضا میکردیم.

نور سالن به جز یه قسمت کوچیک خوب بود. تهویه و سیستم ها هم خوب بودند. کیبورد ها طبعا به نرمی کیبورد لپتاپ نبودند اما خوب بودند. توی رایتینگ من همون قدر نوشتم که وقتی با لپتاپم تمرین می کردم معمولا می نوشتم.

تست صدای نرم افزار آزمون به وقفه حساس بود و برای اینکه از صحت میکروفون اطمینان حاصل کنه و اجازه شروع آزمون بده باید بدون مکث حرف میزدی که خودشون پیشنهاد دادند بجای توصیف شهر خودمون یکی دو بار همون متن روی کاغذ رو بخونیم. این مرحله یه ذره اذیت می کرد و به سادگی آزمون آزمایشی که امیربهدار داده بودم نبود. البته شاید نرم افزار آزمون اصلی اینجوری باشه و در همه ی سنترها این مسئله وجود داشته باشه. این مسئله بیشتر اول اسپیکینگ اذیت کرد که باید دوباره همین کارو انجام می دادیم ولی اون کاغذ رو برداشته بودند و اون متن نبود که از روش بخونم. منم اسپیکینگ خیلی روون نبود که همین طور براش حرف بزنم تا اکی بده!

در مورد مراقبان: برخوردهای منفوتی داشتند. یه آقایی بود ریشی با قد معمولی که خیلی خوش برخورد و مهربون بود و به مشکلات بچه ها رسیدگی می کرد. نور بیشتر سالن خوب بود اما جایی که من افتاده بودم نورش کم بود بهش گفتم جامو عوض کرد! ولی یه

آقای دیگه ای بود قد بلند، کچل و کمی فربه که خیلی نسبت به مشکلات بچه ها بی تفاوت بود و اصلاً درک نمی کرد بچه ها استرس دارند. به من میگفت نور خوبه که! فکر کنم یه گندی هم زد چون لیسینینگ من تازه شروع شده بود که یه خانومه داشت باهش جر و بحث می کرد و حواس من پرت می شد. حتی وقتی از سالن رفتند بیرون صدای داد و بیداد خانومه میومد! آخرش اون آقا مهربونه اومد کارشو درست کرد. خلاصه هر مشکلی داشتید به اون آقا مهربونه بگید!

موقع استراحت صف کوتاهی واسه دستشویی های داخل سنتر اصلی بود. من منتظر نشدم و رفتم طبقه اول. از این لحاظ بهتر از امیربهداره. کیک و آبمیوه هم بعنوان پذیرایی دادند.

بعد استراحت وقتی یکی از مراقبا اومد رمزو بزنه داشتم تمپلیت مینوشتم. گفت نباید چیزی بنویسی. منم گفتم باشه. وقتی رمزو زد و رفت نوشتم! البته من کلا تمپلیت هارو زیاد رو کاغذ مینوشتم. بیشتر از حافظم استفاده میکردم. اگه زیاد رو کاغذ مینویسید وقتی مراقب میاد رمز بزنه ورق رو برگردونید نبینه!

کاغذ چکنویس سه عدد A4 وجود داشت. من فقط موقع اسپیکینگ و رایتینگ نوت برداری میکردم و کلا یه برگه بیشتر استفاده نکردم.

در مورد آزمون

من ریدینگ لانگ بود. روی ریدینگ آخر لیسینینگ کناریم شروع شده بود و صداش یه ذره میومد ولی خیلی آزار دهنده نبود. ریدینگ یه ذره سخت بود چون متن ها لغت تخصصی زیاد داشتند ولی خیلی سخت نبود. بقیه قسمت ها هم به نظرم در حد تی پی او ها و معمولی بودند. یکی از ریدینگ ها در مورد یه تمدن در تایلند فعلی بود و یکی بهینه بودن بدن پرندگان برای پرواز.

رایتینگ اول در مورد یه درخت غیر بومی بود که کاشته بودند ولی به دلیل از بین بردن گیاهان بومی میخواستند از بینش ببرند. سه تا راهکلو برای ریشه کن کردنش تو متن گفته بود که پروفوسور گفت بی فایده اند. رایتینگ دوم هم گفته بود تبلیغات مهم ترین عامله رونق یه بیزنسه. موافقی یا مخالف.